

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)

اصغر میرفردی*، عبدالله ولی‌نژاد**

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان دانشگاه یاسوج، با استفاده از روش پیمایش انجام شده است. در این پژوهش به شکل ترکیبی از نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بوردیو و نظریه‌های روان‌شناختی تفاوت جنسیتی دین‌شاین و چودورو برای چارچوب نظری پژوهش استفاده شده است. بر اساس فرمول لین، حجم نمونه ۴۰۰ نفر محاسبه که با روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب و مطالعه شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها نیز پرسش‌نامه‌ی ترکیبی محقق‌ساخته و دیگران‌ساخته بوده که پس از تأیید اعتبار آنها توسط صاحب‌نظران، پایایی پرسش‌نامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (سرمایه‌ی اجتماعی ۰/۹۵)، محاسبه و استفاده شده است. نتایج نشان داد تفاوت معناداری در سرمایه‌ی اجتماعی (کلی) و ابعاد «ارتباطی» و «ساختاری» آن در بین زنان و مردان پژوهش وجود نداشته است. ولی تفاوتی معنادار در بعد «شناختی» سرمایه‌ی اجتماعی آنها وجود داشت. نتیجه‌گیری کلی تحقیق گویای این مهم بود که سرمایه‌ی اجتماعی از نظر جنسیتی تمایزبردار نبوده و تفاوت در بعد شناختی سرمایه‌ی اجتماعی نیز نشان‌گر نوع ایستارها و باورهای ذهنیتی متفاوت نسبت به تعاملات اجتماعی زنان و مردان در جامعه‌ی مورد مطالعه است.

واژگان کلیدی

سرمایه‌ی اجتماعی، تفاوت جنسیتی، مفروضه‌های جنسیتی، جامعه‌پذیری جنسی، دانشجویان.

۱- مقدمه و بیان مسئله

در سالیان اخیر، بسیاری از ورودیان به دانشگاه‌های ایران، دانشجویان دختر بوده‌اند و مردان در رشته‌های دانشگاهی، همچون دهه‌های گذشته در اکثریت قرار ندارند. شناخت ویژگی‌های جمعیتی زنان و مردان در محیط‌های دانشگاهی، می‌تواند سیمای اجتماعی کارگزاران آینده‌ی جامعه را روشن کند. با توجه به نقش سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در جوامع و زندگی افراد و همچنین اهمیت یافتن بحث تفاوت‌های جنسیتی به خصوص در مورد قشر جوان، مطالعه و بررسی علمی این موضوع، اهمیت خاصی دارد. آنچه از تعاریف مختلف سرمایه‌ی اجتماعی برمی‌آید این است که در بردارنده‌ی مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه است، به گونه‌ای که گروه را به سمت نیل به اهدافی مطابق با ارزش‌های مقبول در جامعه سوق می‌دهد. بورديو سرمایه‌ی اجتماعی در جوامع سرمایه‌داری را به عنوان ابزاری برای تثبیت و تقویت جایگاه اقتصادی افراد دانسته و آن را اهرمی برای تحقق سرمایه‌ی اقتصادی در نظر می‌گیرد (Bourdieu, 1986: 245). کلمن آن را ارزش آن جنبه از ساختار اجتماعی که به عنوان منابعی در اختیار اعضا قرار می‌گیرد تا بتوانند به اهداف خود دست پیدا کنند، می‌داند (Coleman, 1990: 97). پاتنام، سرمایه‌ی اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که از دید وی، اعتماد^۱ و ارتباط متقابل^۲ اعضا در شبکه، به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (Putnam, 2000) و این اعتماد و ارتباط متقابل باعث ارتباط و مشارکت اعضای اجتماع شده و در نتیجه، منافع متقابل آنها را تأمین می‌کند. فوکویاما^۳ نیز معتقد است سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیر رسمی تعریف کرد، مشروط بر آنکه این هنجارها، شامل ارزش‌های مثبت مانند صداقت، ادای تهنیدات و ارتباطات دوجانبه باشد (فوکویاما، ۱۳۸۵). این نوع سرمایه می‌تواند در بین زنان و مردان، متفاوت باشد؛ به گونه‌ای که مور^۴ میزان آن در بین زنان و مردان را متفاوت می‌داند. وی بیان می‌کند که ارتباطات مردان، بیشتر با همکاران و دوستان و ارتباطات زنان، بیشتر مربوط به مراودات با اقوام و همسایگان است. بر این اساس می‌توان گفت سرمایه‌ی اجتماعی به صورت یکسان در بین دو جنس شکل نمی‌گیرد، بلکه این نوع سرمایه با توجه به اجزاء شکل دهنده، کیفیت و نوع آن در بین زنان و مردان فرق دارد. به نظر می‌رسد این اختلاف‌ها در سرمایه‌ی اجتماعی زنان و

1- Trust
2- Reciprocal
3- Fukuyama, F.
4- Moore, G(1990)

مردان ناشی از فرایندهای خاص جامعه‌پذیری جنسی^۱، انتظارات مختلف جامعه^۲ (Rostila, 2011)؛ و فرصت‌های نوسان‌دار زنان و مردان در اندوختن سرمایه‌ی اجتماعی باشد (Emmerik, 2006). با توجه به عامل‌های شکل‌دهنده‌ی سرمایه‌ی اجتماعی، مردان نسبت به زنان، ارتباطات خویشاوندی^۳ کمتری در شبکه‌ها داشته و بیشتر از آنها درگیر شبکه‌های رسمی^۴ هستند (Ferlander & Makinen, 2009: 1323-1332)؛ این در حالی است که زنان به طور سنتی تمایلی به پیشرفت سیاسی و در دست گرفتن قدرت^۵ ندارند (Szreter & Woolcock, 2004: 650-667). با در نظر گرفتن کمیّت و کیفیت شبکه‌ها، مردان شبکه‌های اجتماعی بزرگ‌تری نسبت به زنان داشته؛ و بیشتر از آن‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند (Norris & Inglehart, 2006: 73-98). در بحث نوع شبکه‌ها،^۶ زنان نسبت به مردان در اجتماعات شبکه‌ای مشارکت بیشتری دارند (Chuang & Chuang, 2008: 1321-1530). در همین راستا، گفته می‌شود که زنان به همکاری در امور خانگی، مراقبتی، آموزشی، هنر و مذهب و مردان به مشارکت در امور اقتصادی، تجاری، سیاسی و ورزشی تمایل بیشتری دارند (Norris & Inglehart, 2006: 73-98). بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که زنان و مردان با توجه به روحیات مختلف و همچنین نوع تربیت، آموزش و روال جامعه‌پذیری‌شان به میزان متفاوتی از انواع سرمایه‌ها به طور عام و سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی» آن به طور خاص برخوردارند.

به دلیل اهمیت سرمایه‌ی اجتماعی در مواردی از جمله حاکمیت خوب و کارایی اقتصادی (نوابخش و فدوی، ۱۳۸۷: ۴۷-۲۵ به نقل از اوفه‌۷)، تندرستی (وینسترا، ۱۳۸۴)، موفقیت پروژه‌های عمرانی (مرنیسی، ۱۳۸۴)، توسعه‌ی زمین مشترک و پتانسیل کنش جمعی در توسعه‌ی روستایی (Krishna, 2002)، توسعه‌ی محلی (ربانی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۸۸)، توسعه‌ی ملی (Gerew, 2003)، تسهیل و موفقیت کنش (Kerry, 2003)، کاهش مرگ و میر نوزادان و افزایش امید به زندگی (Hyatt, 2003)، و همچنین رشد درآمد کشورها (Knack, 2002) و اهمیت تفاوت‌های جنسیتی در بسیاری موارد از جمله فرهنگ (توکلی، ۱۳۸۲)، ساختار شغلی (نوروزی، ۱۳۸۳)، ارتکاب رفتارهای پرخطر (سلیمانی‌نیا، ۱۳۸۶)، استفاده از ابزارهای اطلاعاتی (جوادی‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۱) و

- 1- Gender-specific socialization processes
- 2- Differential societal expectations
- 3- Relatives
- 4- Formal networks
- 5- Transcend power or authority
- 6- Type of networks.
- 7- Offè, C.
- 8- Vinstera

رفاه ذهنی (مدیری و آزادارمکی، ۱۳۹۱) بررسی سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی موضوعی ضروری است.

جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای در حال گذار و دانشگاه یاسوج نیز به عنوان دانشگاهی که بیشتر دانشجویان آن بومی‌اند، نمونه‌ای از اجتماع در حال گذار است. جامعه‌ای که در فراز و فرود گذر از پیوندهای سنتی و تماس با حوزه‌ی ارتباطی نوین به سر می‌برد و هر دو بخش سنت و فضای زیستی با مناسبات نوین در حالت سیالیت و تثبیت‌نیافتگی قرار دارند. در دهه‌های اخیر، زنان در عرصه‌های اجتماعی به ویژه دانشگاه‌ها بیشتر حضور داشته‌اند. در جامعه در حال گذار کنونی، نقش عنصر سرمایه‌ی اجتماعی در تثبیت روابط و مناسبات نوین اجتماعی و شهروندی اهمیت بسیاری دارد و ضروری است این مؤلفه بررسی و تحلیل شود. در این شرایط و با وجود سیالیت و شرایط در حال گذار اجتماعی، شناختی از وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی به ویژه از منظر تفاوت جنسیتی وجود ندارد. مؤلفه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در بین دانشجویان به عنوان آینده‌سازان و کارگزاران آینده‌ی جامعه، اهمیت بسیاری دارد و در این میان توجه به این مؤلفه در بین دانشجویان زن - که در سالیان اخیر نسبت بیشتری از دانشجویان را به خود اختصاص داده‌اند - در مقایسه با دانشجویان مرد ضرورت بیشتری دارد. بنابراین این پژوهش در پی آن بوده است تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا سرمایه‌ی اجتماعی (و ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی») دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج با هم تفاوتی دارد؟ به بیان دیگر، هدف از مقاله شناخت وضعیت تفاوت بین سرمایه‌ی اجتماعی دانشجویان زن و مرد در دانشگاه یاسوج بوده است. نظر به سیر تغییرات در بافت نیمه‌ی سنتی استان کهگیلویه و بویراحمد و حضور بیش از پیش زنان در دانشگاه‌ها، چنین پژوهشی می‌تواند دورنمایی از تعاملات متفاوت مردان و زنان در عرصه‌ی اجتماعی را در پیوند با دیگر متغیرهای اجتماعی نمایان کند. بافت نیمه سنتی استان کهگیلویه و بویراحمد و شرایط در حال گذار از سبک زندگی سنتی به زندگی شهری و مدرن، ضرورت انجام پژوهش‌های علمی در این باره را بیشتر می‌کند.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

ارمکی و کمالی در پژوهشی با عنوان «اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس» به این نتیجه رسیدند که سطح اعتماد متقابل در میان زنان نسبت به مردان پایین‌تر است (ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳: ۱۰۰-۱۳۲).

رستگار خالد در مقاله‌ای با عنوان «رابطه‌ی کار و خانواده: تفاوت‌های جنسیتی در برخورداری از حمایت اجتماعی» به این نتیجه دست یافت که زنان به برخورداری از حمایت خانوادگی تمایل

دارند و مردان حمایت شغلی را برای مقابله با فشار بر می‌گزینند (رستگار خالد، ۱۳۸۳: ۷۵-۵۵). سفیری و صدفی در مقاله‌ی «فرا تحلیل مطالعات و تحقیقات جنسیت و سرمایه‌ی اجتماعی»، طبق نتیجه‌های فراتحلیل فرضیه‌های پژوهش‌های انجام شده به این نتایج رسیدند که اولاً رابطه‌ی بین جنسیت با سرمایه‌ی اجتماعی حاکی از همگونی داده‌ها و در عین حال پذیرش همبستگی مقبول بین جنسیت و سرمایه‌ی اجتماعی؛ دوماً رابطه‌ی بین جنسیت و اعتماد اجتماعی حاکی از همگونی داده‌ها و در عین حال پذیرش همبستگی مقبول بین جنسیت با اعتماد اجتماعی؛ و سوماً رابطه‌ی بین جنسیت و مشارکت اجتماعی حاکی از ناهمگونی داده‌ها و در عین حال، عدم پذیرش همبستگی مقبول بین جنسیت با مشارکت اجتماعی در پژوهش‌های یاد شده بود. نتیجه‌گیری کلی این پژوهش این بود که میانگین سرمایه‌ی اجتماعی مردان، بیش از زنان بوده است (سفیری و صدفی، ۱۳۹۱: ۷۴-۳۷).

نتایج پژوهش شارع پور و آرمان در مقاله‌ی «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در سطوح مختلف سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: شهر تهران)» حاکی از آن بود که از لحاظ میانگین سرمایه‌ی اجتماعی خانواده و خویشاوندان در میان زنان و مردان تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، در حالی که از نظر میانگین سرمایه‌ی اجتماعی دوستان، محله و سرمایه‌ی اجتماعی کل، میان مردان و زنان تفاوت معنی‌داری وجود داشت. به این معنی که مردان نسبت به زنان میانگین سرمایه‌ی اجتماعی دوستان، محله و کل بیشتری دارند (شارع پور و آرمان، ۱۳۹۳).

مولینوکس در مقاله‌ی «جنسیت و خاموشی‌های^۱ سرمایه‌ی اجتماعی: درس‌هایی از آمریکای لاتین^۲»، با دیدی انتقادی، مفروضه‌های جنسیتی‌ای^۳ که تلاش برای ساخت سرمایه‌ی اجتماعی را کنترل می‌کنند، آزمون؛ و به پیش^۴ برخی تنش‌های^۵ برخاسته از آمریکای لاتین پسانتقالی^۶، بین حقوق زنان و معیارهای حقیقی سرمایه‌ی اجتماعی پرداخت (Molynex, 2002: 88-167). وسترن و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «جنسیت و سرمایه‌ی اجتماعی: اهمیت تفاوت‌های جنسیتی در بلوغ و کارایی گروه‌های مدیریت منابع طبیعی»، با هدف پی بردن به جنبه‌های جنسیتی سرمایه‌ی اجتماعی - که نمود آن را می‌توان در گروه‌های مدیریت منابع طبیعی یافت - بر روی ۴۶ گروه مجزای زنان، مردان و گروه‌های مختلط از ۲۰ کشور آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا

1- Silences

2- Latin America

3- Gendered assumptions

4- Explore

5- Tension

6- Post-transition

انجام دادند. نتایج پژوهش، گویای تفاوت معنادار در ارتباط با رشد و بلوغ گروهی و دستاوردهای گروه‌های مدیریت منابع طبیعی بود. نتایج همچنین نشان داد همکاری، انسجام و تلاش برای حل تعارض‌های بین‌گروهی در جایی که زنان حضور داشتند افزایش می‌یافت. به علاوه، احتمال بیشتری داشت که هنجارهای عمل متقابل در گروه‌های مختلط که زنان در آن حضور داشتند، به انجام رسند. همچنین، همکاری در گروه‌هایی که زنان وجود داشتند (گروه مختلط) و گروه‌های زنان، بسیار بالا بود. نتیجه‌گیری کلی پژوهش گویای نقش مؤثر و همکارانه‌ی زنان در مقایسه با مردان در گروه‌ها بود (Westerman, 2005: 1-17).

امریک در مقاله‌ی «تفاوت‌های جنسیتی در تولید انواع مختلف سرمایه‌ی اجتماعی: یک مطالعه‌ی چند سطحی» به این نتیجه رسید که مردان در تولید سرمایه‌ی اجتماعی سخت‌تر، مؤثرتر از زنان هستند. همچنین، تحلیل‌های چند سطحی^۲ تحقیق نشان داد، مردان در استفاده از منابع گروهی برای تولید هر دو نوع سرمایه‌ی اجتماعی سخت و نرم^۳، مؤثرترند (Emmerik, 2006: 24-37).

واینک و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی شخصی و اضطراب‌های روان‌شناختی»^۴، چقدر برابرند؟ یک تحلیل جنسیتی^۵ با استفاده از داده‌های مقطعی^۶ از گنت^۷ (بلژیک)^۸ به این نتیجه رسیدند که ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و اضطراب‌های روان‌شناختی در بین زنان و مردان، مشابه است. در نتیجه‌گیری تحقیق، اشاره شده که ممکن است قشر بندی جنسیتی در بلژیک در نتایج تحقیق تأثیرگذار بوده است. همچنین اشاره شده، به نظر می‌رسد که سرمایه‌ی اجتماعی در بلژیک، برای زنان؛ به‌خصوص زنانی که در موقعیت‌های اجتماعی نامناسب قرار دارند، اهمیت بالایی نداشته باشد (Vyneke & at al, 2011).

چنانچه اشاره شد، محدود پژوهش‌های محدودی درباره‌ی تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه‌ی اجتماعی و تنها در چند شهر بزرگ ایران انجام شده است. از آنجا که ممکن است تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی مربوط به مناطق مختلف با تفاوت در میزان سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان مرتبط باشد، سعی شد که پژوهش حاضر در جامعه‌ی آماری‌ای متفاوت از لحاظ فرهنگی با سایر

1- Hard Social Capital

2- Multilevel Analyses

3- Soft

4- Psychological distress

5- Gendered analysis

6- Cross-sectional

7- Ghent

8- Belgium

تحقیق‌ها انجام شود؛ بر این اساس، پژوهش در دانشگاه یاسوج، واقع در استان کهگیلویه و بویر احمد با بافتی در حال گذار و متفاوت از سایر تحقیق‌های انجام شده در این باره، انجام شد تا برای فهم بهتر موضوع و مقایسه‌ی آن با سایر تحقیق‌ها، گامی در این باره برداشته باشد. تفاوت دیگر این پژوهش با پژوهش‌های پیشین این است که جامعه‌ی آماری این پژوهش زنان و مردانی هستند که همگام با هم در یک نهاد آموزشی مشغول تحصیل علم‌اند و جدا از تفاوت جنسیتی، آموزه‌های آموزشی آنها همانند است. از سوی دیگر، در این پژوهش، خود سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد خاصی از آن به صورت مشخص، در منطقه با بافت نیمه‌سنتی ارزیابی می‌شود.

۳- مبانی نظری پژوهش

به نظر بوردیو، میان جایگاه اجتماعی و سلیقه‌ها و رفتارها تطابقی وجود دارد؛ مثل اینکه فضای طبقه‌ی اجتماعی برتر، چه نوع ورزش‌ها، نوشیدنی‌ها، گرایش‌های سیاسی و غیره ترجیح می‌دهد (رضائیان، ۱۳۸۴: ۲۰). از نظر بوردیو، تراکم و دوام ارتباطات، هر دو، اهمیت فراوانی دارند. همچنین وی معتقد است که ارزش ارتباطات یک فرد (یا حجم سرمایه‌ی اجتماعی یک عامل)، به تعداد ارتباطات فعال شده و حجم سرمایه‌ی (فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) هر ارتباط بستگی دارد (Bourdieu, 1986: 247). کلمن معتقد بود سرمایه‌ی اجتماعی از طریق محاسبه‌ی عقلانی کنش‌گران برای سرمایه‌گذاری در آن شکل نمی‌گیرد، بلکه محصول جانبی فعالیت‌های درگیر با سایر مقاصد است (Coleman, 1994: 312). پاتنام با تفکیک شبکه‌های افقی (مساوات طلب) از شبکه‌های عمودی (انحصار طلب)، معتقد است، شبکه‌های عمودی توانایی برقراری اعتماد و هنجارهای همیاری را ندارند. او شبکه‌های هنجاری را در قالب مشارکت‌های مدنی - به دلیل ارائه‌ی چارچوب فرهنگی برای همکاری - مواد هنجارهای اعتماد همکاری می‌داند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). فوکویاما نیز به عنوان یکی از صاحب‌نظران مشهور در موضوع سرمایه‌ی اجتماعی، این مفهوم را به عنوان یک منبع با ارزش از ظرفیت‌های سازمانی و یادگیری، با طیف گسترده‌ای از نتایج مثبت از جمله درآمد بالاتر، رضایت از زندگی و انسجام اجتماعی می‌داند (Barr & Cherry, 2006: 207). او مهم‌ترین منابع سرمایه‌ی اجتماعی را خانواده و هنجارهای اجتماعی می‌داند (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰۶-۹۷)؛ بر این اساس، هر چند که سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند به روش‌های مختلف شکل گیرد، ولی هنجارهای اجتماعی مولد سرمایه‌ی اجتماعی، می‌توانند تنها میان گروه محدودی از مردم مشترک باشند. لین نیز مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی را به مثابه منابع نهفته در ساختار اجتماعی تعریف می‌کند که با کنش‌های هدف‌مند برای افراد در دسترس است (Lin, 1999: 7).

در حوزه‌ی تفاوت‌های جنسیتی که به ویژگی‌های شخصی، روانی و تفاوت‌های اکتسابی فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناسی میان زنان و مردان اشاره دارد (گیدنز، ۱۳۷۳: ۷۵)؛ نظریه‌های زیست‌شناختی معتقدند، به دلیل جهان شمولی عوامل زیستی تفاوت‌ها در آنها نهفته است (McConnell & Philipchalk, 1992: 223)؛ اما این دیدگاه مشخص نکرده است که این تفاوت‌ها دقیقاً از کدام عوامل زیستی نشئت گرفته‌اند. برخی نیز این تفاوت‌ها را ناشی از تفاوت میزان هورمون‌های جنسی در مردان و زنان می‌دانند (Kammeyer, 1989: 330). گر چه ممکن است این رویکرد، طرفدارانی داشته باشد ولی یان رابرتسون^۱ بر این اعتقاد است که یافته‌های علمی مطابق با این رویکرد، محدود بوده و تفاوت‌های جنسیتی بر اساس این رویکرد را نمی‌توان به تمام جوامع تعمیم داد (رابرتسون، ۱۳۸۰: ۲۷۹-۲۷۸). نظریه‌ی «زیستی-اجتماعی» بر این محور است که تأثیرهای اجتماعی، توانایی تغییر تمایلات زیست‌شناختی را دارند. این نظریه «سراغار تأثیر نیروهای اجتماعی را واکنش متفاوت والدین به کودک در حال رشد که کودک را به پذیرش نقش‌های جنسیتی سوق می‌دهند، می‌داند» (Shaffer, 1993: 503-507). در نظریه‌های روان‌شناختی نیز دینرشتاین^۲ بر این اعتقاد است که کودک با احساسی دوگانه نسبت به مادر (و زنان) رشد می‌کند. به نظر وی، کودک مردد است که آیا مادر می‌تواند نیازهای روحی و جسمی‌اش را برآورده سازد یا خیر؛ بر این اساس، احساسی دوگانه از وی نسبت به مادر و زنان شکل می‌گیرد؛ احساسی بین لذت و رنج. بنابراین مردان که نمی‌خواهند برای بار دیگر به زنان وابسته شوند، سعی می‌کنند آنها را تحت کنترل خود درآورند. در مقابل، زنان نیز که از قدرت مادر در درون خودشان ترس دارند، سعی می‌کنند شرایطی به وجود آورند که به دست مردان کنترل شوند (Tong, 1997: 151-153). چودورو دیگر نظریه‌پرداز حوزه‌ی روان‌شناختی نیز ادعا می‌کند، کودکان در نخستین مراحل جامعه‌پذیری از هر دوی والدین خود همانندسازی می‌کنند، ولی در ادامه، پسران در پی دستیابی به هویتی مردانه خواهند بود و دختران نیز در پی دستیابی به هویت زنانه، به مادر خود وابسته خواهند بود (Chodorow, 1997: 38). نظریه‌ی «یادگیری اجتماعی» نیز در فراگیری رفتارهای جنسیتی به سه مرحله قائل است؛ در مرحله‌ی اول، کودکان دختر یا پسر با والدین همجنس خود پیوند می‌خورند. در مرحله‌ی دوم، از والدین همجنس خود همانندسازی می‌کنند و سرانجام، مرحله‌ی اول و دوم به رفتار زنانگی یا مردانگی منجر خواهد شد (Albrecht, 1987: 156).

1- Robertson, Y.

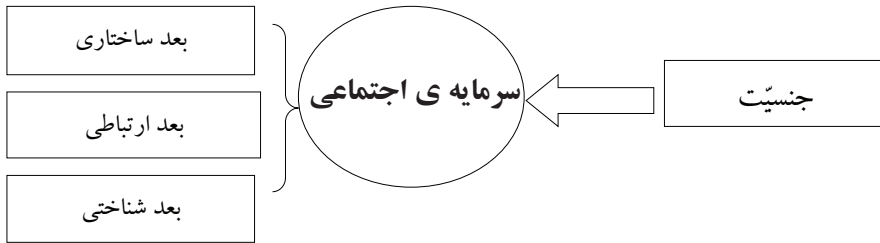
2- Dinnerstein, D.

۴- چارچوب نظری پژوهش

جنسیت و ویژگی‌های رفتاری و ایستاری همجوار با آن می‌تواند به عنوان متغیر مهمی در پیوند با سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی» آن ارزیابی شود. توجه به جنسیت تنها یک متغیر جمعیت‌شناختی نیست، بلکه متغیری است که مجموعه‌ای از ویژگی‌های فرهنگی و رفتاری احتمالی را با توجه به تفاوت‌های اکتسابی و غیراکتسابی در بردارد. برای چارچوب نظری این پژوهش، به شکل ترکیبی از نظریه‌های سرمایه‌ی اجتماعی بوردیو و نظریه‌های روان‌شناختی تفاوت جنسیتی دینرشتاین و همچنین چودورو استفاده شده است که در این بخش، این چارچوب نظری ترکیبی تشریح می‌شود.

بوردیو شرط لازم برای تولید و حتی اثرگذاری سرمایه‌ی اجتماعی را عضویت در گروه‌های اجتماعی می‌داند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۹). گروه‌هایی که می‌توانند در سطح خرد (مانند خانواده)؛ و یا در سطح کلان (مانند ملت) باشند. به اعتقاد وی، مبادلات مادی و نهادی از طریق نهادها و گروه‌هایی نظیر خانواده، انجمن، حزب و یا ملت تضمین می‌شوند (Bourdieu, 1986: 245). او تطابقی منحصر به فرد میان جایگاه اجتماعی و سلیقه‌ها و رفتارها قائل است که می‌تواند منتج به سبک زندگی و ویژگی‌های خاصی برای افراد در جایگاه‌های مختلف شود (رضائیان، ۱۳۸۴: ۲۰)؛ موضوعی که با نظر به جایگاه‌های متفاوت زنان و مردان در نظریه‌های روان‌شناختی دینرشتاین و چودورو - که رشد کودک را با احساسی دوگانه نسبت به مادر (و زنان) می‌دانند و متعاقباً به سمت هویت و نقشی خاص متمایل شده و در نهایت، به انتخاب مسیری خاص در فرایند رشد منجر می‌شود - همخوان است. از یک طرف، نوع نگاه نظریه‌های روان‌شناختی به جنسیت‌های مختلف، به این مهم اشاره دارد که جنس زن و مرد، با توجه به روحیات خاصشان در فرایندهای مختلف زندگی از جمله نوع آموزش، جامعه‌پذیری و... استعدادها و قابلیت‌های خاصی را کسب و در نتیجه می‌توانند در زمینه‌های «ارتباطی» (روابط متقابل)، «ساختاری» (پیوندهای اجتماعی، شکل و ترکیب و تناسب سازمانی) و «شناختی» (نوع ایستارها و باورهای ذهنیتی نسبت به تعاملات اجتماعی) در دو مسیر مختلف قرار بگیرند و از سوی دیگر، دیدگاه بوردیو درباره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی را نیز می‌توان به گونه‌ای در نظر گرفت که در آن میزان سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی» آن در بین زنان و مردان، متفاوت است؛ چرا که او زنان و مردان را در دو جایگاه مختلف (جنسیتی) فرض می‌کند که جایگاه هر کدام، سلیقه و نوع متفاوتی از تفکر و رفتار را ایجاد می‌کند. در نتیجه، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی» آن در دو جنس یکسان شکل نگرفته، بلکه با توجه به اجزاء تشکیل دهنده، کیفیت و نوع آن در بین زنان و مردان تفاوت

دارد و به نظر می‌رسد این اختلاف‌ها در سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان، ناشی از فرایندهای خاص جامعه‌پذیری جنسی، انتظارات جامعه‌ای مختلف و فرصت‌های نوسان‌دار زنان و مردان در اندوختن سرمایه‌ی اجتماعی باشد. بر این اساس، می‌توان از چارچوب نظری تحقیق این فرضیه‌ها را استخراج کرد که سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی» آن، در بین زنان و مردان پژوهش متفاوت باشند.



نمودار ۱: مدل تحلیلی پژوهش

۵- فرضیه‌های پژوهش

۱۴۰

۱. به نظر می‌رسد، دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج از نظر سرمایه‌ی اجتماعی با هم تفاوت معناداری دارند.
۲. به نظر می‌رسد، دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج در بعد «ارتباطی» سرمایه‌ی اجتماعی با هم تفاوت معناداری دارند.
۳. به نظر می‌رسد، دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج در بعد «ساختاری» سرمایه‌ی اجتماعی با هم تفاوت معناداری دارند.
۴. به نظر می‌رسد، دانشجویان زن و مرد دانشگاه یاسوج در بعد «شناختی» سرمایه‌ی اجتماعی با هم تفاوت معناداری دارند.

۶- روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، از روش پیمایش برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش، شامل کلیه‌ی دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بوده که تعداد آنها ۱۹۵۴ نفر بوده است. واحد آماری پژوهش نیز یک نفر دانشجوی دانشگاه یاسوج در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ بوده است. بر اساس جدول لین^۱ و با در نظر گرفتن حجم

1- Line, N. (1976)

جامعه، سطح معنی‌داری، میزان همگنی و میزان خطای معنی‌داری، حجم نمونه‌ی پژوهش ۳۸۱ مورد برآورد شده است که برای افزایش دقت به ۴۰۰ مورد ارتقاء یافت. روش نمونه‌گیری پژوهش نیز، نمونه‌گیری تصادفی از نوع طبقه‌ای چندمرحله‌ای^۱ بوده است. نحوه‌ی نمونه‌گیری و گردآوری داده‌های پژوهش نیز به این صورت بود که پس از تعیین حجم نمونه، نسبت‌های هر دانشکده، مقطع تحصیلی و جنسیت محاسبه شد. در مرحله‌ی بعد، به دانشکده‌ها مراجعه و به صورت تصادفی در بین دانشجویان هر دانشکده، پرسش‌نامه توزیع شد. به طور میانگین، هر پاسخ‌گو برای پر کردن هر پرسش‌نامه، ۱۱ دقیقه نیاز داشت که پژوهش‌گر در این فاصله در نزدیکی پاسخ‌گو قرار داشت تا به ابهامات و سؤالات احتمالی وی جواب دهد. فرایند توزیع پرسش‌نامه در بازه‌ی ۱۴ روزه (بدون احتساب روزهای جمعه و تعطیل) انجام شد و در این مدت این فرایند از ساعت ۹ صبح تا ۱۸ عصر ادامه داشت.

برای سنجش متغیر سرمایه‌ی اجتماعی (وابسته) از پرسش‌نامه‌ی ناهاپیت و گوشال^۲ با ضریب آلفای ۰/۷۹، با اندکی دخل و تصرف استفاده شده است. این پرسش‌نامه از سه بعد «ارتباطی» (شامل ۱۳ سؤال)، «ساختاری» (شامل ۸ سؤال) و «شناختی» (شامل ۷ سؤال) تشکیل شده که با استفاده از مقیاس رتبه‌ای در قالب ۲۸ گویه‌ی ۵ گزینه‌ای «کاملاً موافقم» (نمره‌ی ۵)، «موافقم» (نمره‌ی ۴)، «بی‌نظر» (نمره‌ی ۳)، «مخالفم» (نمره‌ی ۲) و «کاملاً مخالفم» (نمره‌ی ۱) سنجیده شده است.

در این پژوهش، از دو نوع اعتبار^۳ صوری و اعتبار تجربی بهره‌گیری شده است. برای تعیین صوری پرسش‌نامه، از نظر چند تن از اساتید جامعه‌شناسی استفاده و نکات اصلاحی آنها در پرسش‌نامه لحاظ شد. در اعتبار تجربی نیز با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اعتبار ابزار تحقیق بررسی شد؛ به این معنا که با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، تلاش شد تا به آزمون این مسئله پرداخته شود که آیا معرف‌های یک متغیر در تحلیل عاملی، قابلیت بار شدن روی یک عامل را دارند یا خیر. برای تعیین اعتبار سازه‌ای پرسش‌نامه‌ی دینداری، از دو آزمون KMO و ضریب بارتلت^۴ (کلانتری، ۱۳۸۵: ۲۸۵) استفاده و مشخص شد در سطح معنی‌داری (۰/۰۰)، میزان KMO و بارتلت سرمایه‌ی اجتماعی به ترتیب ۰/۹۵ و ۶۶۱۴/۷ بوده است.

1- Classified Multistage Random Sampling

2- Nahapiet & Ghosal, 1998

3- Validity

4- Bartlett

برای تعیین پایایی^۱ ابزار پژوهش نیز، به منظور شناخت میزان انسجام درونی گویه‌های متغیر سرمایه‌ی اجتماعی از آلفای کرونباخ شده است. این ضریب برای متغیر سرمایه‌ی اجتماعی (کلی)، ۰/۹۵ و برای ابعاد «ارتباطی»، «ساختاری» و «شناختی» آن به ترتیب، ۰/۹۰، ۰/۸۷ و ۰/۸۶ بوده است.

پس از جمع‌آوری و گردآوری اطلاعات مورد نیاز و استخراج آنها، داده‌ها برای تجزیه و تحلیل، به نرم‌افزار SPSS انتقال و تحلیل یافته‌ها در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی ارائه شد.

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- یافته‌های توصیفی

بر اساس یافته‌های توصیفی پژوهش، از میان ۴۰۰ نفر پاسخ‌گو، ۲۱۳ نفر (۵۳/۲۵٪) زن و ۱۸۷ نفر (۴۶/۷۵٪) مرد بودند. ۵۳ نفر از زنان (۱۳/۲۵ درصد از کل پاسخ‌گویان) و ۲۳ نفر از مردان (۵/۷۵ درصد از کل پاسخ‌گویان) متأهل و بقیه مجرد بودند. بیشترین نسبت پاسخ‌گویان در مقطع تحصیلی را مقطع تحصیلی کارشناسی با ۷۶/۲۵ درصد (۳۹/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۳۶/۷۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد) و پس از آن، مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد با ۱۹ درصد (۱۱/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۷/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد) و در آخر، مقطع تحصیلی دکتری با ۴/۷۵ درصد (۲/۲۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۲/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد)، تشکیل داده است. از لحاظ پایگاه اجتماعی-اقتصادی نیز ۱۵/۷۵ درصد از پاسخ‌گویان پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین (۶/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۹/۲۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد)، ۶۸/۲۵ درصد از آنها پایگاه اجتماعی-اقتصادی متوسط (۳۶/۲۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۳۲ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد)؛ و ۱۶ درصد باقی‌مانده نیز پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا (۱۰/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۵/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد) داشتند. قومیت لر با ۶۱/۷۵ درصد (۳۲ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۲۹/۷۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد)، قومیت فارس با ۲۰/۷۵ درصد (۱۱/۷۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۹ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد) و سایر قومیت‌ها نیز با ۱۷/۵ درصد (۹/۵ درصد از کل پاسخ‌گویان، زن و ۸ درصد از کل پاسخ‌گویان، مرد) نسبت‌های قومیت پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند.

نتایج حاصل در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد میزان سرمایه‌ی اجتماعی ۶۰ نفر از پاسخ‌گویان (۱۵٪) در سطح پایین، ۲۸۲ نفر (۷۰/۵٪) در سطح متوسط و ۵۸ نفر (۱۴/۵٪) نیز در سطح بالا بوده است. میزان ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی در بین پاسخ‌گویان نیز در این جدول آمده است.

جدول ۱. میزان سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن در بین پاسخ‌گویان

کل	بالا	متوسط	پایین	سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن	
				تعداد	سرمایه‌ی اجتماعی (کلی)
۴۰۰	۵۸	۲۸۲	۶۰	تعداد	سرمایه‌ی اجتماعی (کلی)
۱۰۰	۱۴/۵	۷۰/۵	۱۵	درصد	
۴۰۰	۶۳	۲۸۰	۵۷	تعداد	بعد از تباطی
۱۰۰	۱۵/۷۵	۷۰	۱۴/۲۵	درصد	
۴۰۰	۶۸	۲۷۵	۵۷	تعداد	بعد ساختاری
۱۰۰	۱۷	۶۸/۷۵	۱۴/۲۵	درصد	
۴۰۰	۶۲	۲۷۹	۵۹	تعداد	بعد شناختی
۱۰۰	۱۵/۵	۶۹/۷۵	۱۴/۷۵	درصد	

۱۴۳

همچنین، نتایج جدول شماره‌ی ۲ نیز نشان می‌دهد، نمره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (کلی) ۱۲/۷ درصد از زنان در سطح پایین، ۷۴/۶ درصد در سطح متوسط و ۱۲/۷ درصد نیز در سطح بالا بوده است. در ارتباط با نمره‌ی سرمایه‌ی اجتماعی (کلی) مردان نیز ۱۶ درصد در سطح پایین، ۷۰/۶ درصد در سطح متوسط و ۱۳/۴ درصد در سطح بالا بوده است. نمره‌ی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی پاسخ‌گویان با توجه به جنسیت آنها نیز در این جدول آمده است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخ‌گویان، با توجه به میزان سرمایه‌ی اجتماعی به تفکیک جنسیت

کل	بالا	متوسط	پایین	سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن	
				زنان	مردان
۱۰۰٪	۱۲/۷٪	۷۴/۶٪	۱۲/۷٪	زنان	سرمایه‌ی اجتماعی (کلی)
۱۰۰٪	۱۳/۴٪	۷۰/۶٪	۱۶٪	مردان	
۱۰۰٪	۱۵٪	۶۸/۱٪	۱۶/۹٪	زنان	بعد ارتباطی
۱۰۰٪	۱۳/۹٪	۷۰/۱٪	۱۶٪	مردان	
۱۰۰٪	۱۳/۶٪	۷۲/۸٪	۱۳/۶٪	زنان	بعد ساختاری
۱۰۰٪	۱۰/۲٪	۷۸/۶٪	۱۱/۲٪	مردان	
۱۰۰٪	۳/۸٪	۷۴/۲٪	۲۲/۱٪	زنان	بعد شناختی
۱۰۰٪	۱۲/۸٪	۶۹/۵٪	۱۷/۶٪	مردان	

۷-۲- یافته‌های استنباطی

نتایج به دست آمده در جدول شماره‌ی ۳ نشان می‌دهد، با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۱۴) تفاوت معناداری در سرمایه‌ی اجتماعی (کلی) زنان و مردان پژوهش وجود نداشته است. نتایج مندرج در این جدول، همچنین نشان داد بین بعد «ارتباطی» سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان پژوهش با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۲۱) و بین بعد «ساختاری» سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان پژوهش با توجه به سطح معنی‌داری (۰/۳۱) تفاوت معناداری وجود نداشته است، ولی سطح معنی‌داری (۰/۰۴) گویای وجود تفاوتی معنادار در بعد «شناختی» سرمایه‌ی اجتماعی در بین زنان و مردان پژوهش بود. همان‌طور که در جدول شماره‌ی ۳ آمده است؛ میانگین سرمایه‌ی اجتماعی (کلی) و ابعاد آن در بین زنان مطالعه شده، بیشتر از مردان مطالعه شده، بوده است. جدول ۳. نتایج مقایسه‌ی میانگین تفاوت زنان و مردان پژوهش در سرمایه‌ی اجتماعی و ابعاد آن

Sig	T	انحراف معیار	میانگین	تعداد	جنس	متغیر وابسته
۰/۱۴	۱/۴۶	۲۰/۲۳	۷۷/۱۱	۲۱۳	زن	سرمایه‌ی اجتماعی
		۲۱/۲۵	۷۴/۰۶	۱۸۷	مرد	
۰/۲۱	۱/۲۳	۹/۸۷	۳۵/۱۴	۲۱۳	زن	بعد ارتباطی
		۹/۹۷	۳۳/۹	۱۸۷	مرد	
۰/۳۱	۰/۹۹	۶/۲۷	۲۲/۰۵	۲۱۳	زن	بعد ساختاری
		۶/۷۴	۲۱/۴	۱۸۷	مرد	
۰/۰۴	۲/۰۱	۵/۶	۱۹/۹۲	۲۱۳	زن	بعد شناختی
		۴/۸۹	۱۵/۷۵	۱۸۷	مرد	

نتیجه‌گیری

براساس نتایج جامعه‌شناختی این تحقیق، سرمایه‌ی اجتماعی - که متشکل از وضعیت ارتباطی و تعامل و همچنین هنجارمندی در یک جامعه است از نظر جنسیتی تمایزبردار نیست. از آنجا که برای شکل‌گیری، تقویت و تداوم سرمایه‌ی اجتماعی نیاز به افزایش گسترده و میزان تعاملات

اجتماعی است و این تعاملات و ارتباطات همیارانه در بین همه‌ی افراد جامعه فارغ از جنس و سایر ویژگی‌های زمینه‌ای رخ داده و سرمایه‌ی اجتماعی را شکل می‌هند، تمایزی بین وضعیت سرمایه‌ی اجتماعی بین زنان و مردان وجود ندارد. اگرچه در جوامع سنتی - که حوزه‌ی تعاملات اجتماعی از تفکیک و نقش‌پذیری‌های جنسیتی، تأثیر بسیاری می‌گیرد- نمی‌توان همگامی کامل زنان و مردان را در عرصه‌های اجتماعی، به ویژه مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی مشاهده کرد. شهر یاسوج، به عنوان شهری با سابقه‌ی نه‌چندان زیاد، به شکل روزافزونی در حال تجربه‌ی نوگرایی در نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی است. نبود تفاوت معنادار بین سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان در این مطالعه، گویای همگرایی نسبی آنها در عرصه‌های تعاملات و رفتارهای اجتماعی و به ویژه سرمایه‌ی اجتماعی است که نمود تحلیلی این تعاملات شناخته می‌شود.

با توجه به نتایج این مطالعه در بعد شناختی که تفاوت محسوسی بین زنان و مردان در سرمایه‌ی اجتماعی وجود دارد، نشان‌گر نوع ایستارها و باورهای ذهنیتی متفاوت نسبت به تعاملات اجتماعی زنان و مردان در جامعه‌ی مورد مطالعه است. به بیان دیگر، اگرچه در زمینه‌ی ارتباطات و ساختارها نوعی همگرایی در میزان سرمایه‌ی اجتماعی زنان و مردان شکل گرفته است، اما هنوز به لحاظ جامعه‌شناختی - که بیانگر باورها و ایستارهای جامعه است تفاوت محسوسی بین زنان و مردان وجود دارد. به عبارت بهتر، این تفاوت جزئی و محسوس که در سطح ۹۵ درصد معنادار بوده است، نشان می‌دهد که با وجود حضور و مشارکت بیش از پیش زنان در عرصه‌های اجتماعی و تعاملات در فضای عمومی جامعه، هنوز ایستارها و باورهایی که در بعد شناختی جای دارند، تا حد چشمگیری در بین زنان و مردان، متفاوت‌اند. پیشنهاد می‌شود تفاوت‌های جنسیتی در سرمایه‌ی اجتماعی با توجه به متغیرهای کنترلی دیگر همچون پایگاه اجتماعی-اقتصادی به ویژه سطح سواد و منزلت شغلی بررسی شود.

منابع

- ◀ اجتهادی، مصطفی. «سرمایه‌ی اجتماعی»، پژوهشنامه‌ی علوم انسانی، ش ۳، (۱۳۸۶).
- ◀ احمدی، سیروس اصغر میرفردی و محمدحسین ابتکاری. «بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر کیفیت زندگی شهروندان شهر یاسوج»، راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۲، ش ۶، (۱۳۹۲).
- ◀ ارمکی، تقی و افسانه کمالی. «اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل در بین دو جنس»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۲، ش ۲، (۱۳۸۳).
- ◀ بوردیو، پیر ۱۳۸۱. نظریه‌ی کنش، ترجمه‌ی مرتضی مردیها، تهران، نقش و نگار.
- ◀ پاتنام، رابرت ۱۳۸۰. دمکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: جامعه‌شناسان.
- ◀ توکلی، نیره. «فرهنگ و هویت جنسی با نگاهی به ادبیات ایران»، نامه‌ی انسان‌شناسی، دوره ۱، ش ۳، (بهار و تابستان ۱۳۸۲).
- ◀ جوادی‌یگانه، محمدرضا، مسعود کوثری و طاهره خیرخواه. «تلفن همراه و کارکردهای آن برای کاربران ایرانی با تأکید بر تفاوت‌های جنسیتی»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دوره ۱، ش ۲، (تابستان ۱۳۹۱).
- ◀ حریرچی، محمود، خلیل میرزایی، اعظم جهرمی و اعظم مکانی. «چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس»، پژوهش اجتماعی، سال ۲، ش ۴، (پاییز ۱۳۸۸).
- ◀ رابرتسون، یان ۱۳۸۰. درآمدی بر جامعه، ترجمه‌ی حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ◀ ربانی‌خوراسگانی، علی، علی صدیق اورعی و مهدی خنده‌رو. «بررسی سرمایه‌ی اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در سطح محله»، مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۶، ش ۲، (پاییز و زمستان ۱۳۸۸).
- ◀ رستگار خالد، امیر. «رابطه‌ی کار و خانواده: تفاوت‌های جنسیتی در برخورداری از حمایت اجتماعی»، پژوهش زنان، دوره ۲، ش ۲، (۱۳۸۳).
- ◀ رضائیان، علی. «عصر سرمایه‌ی انسانی و اجتماعی». فصلنامه‌ی پیام مدیریت. سال ۳، ش ۱۱ و ۱۲، (تابستان و پاییز ۱۳۸۴).
- ◀ سفیری، خدیجه و ذبیح‌الله صدفی. «فرا تحلیل مطالعات و تحقیقات جنسیت و سرمایه‌ی اجتماعی». جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۳، ش ۳، (پاییز ۱۳۹۱).
- ◀ سلیمانی‌نیا، لیلیا. «تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر». مطالعات جوانان، ش ۹ و ۸، (تابستان ۱۳۸۶).
- ◀ عبداللهی، محمد و میرظاهر موسوی. «سرمایه‌ی اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار». رفاه اجتماعی، سال ۶، ش ۲۵، (تابستان ۱۳۸۶).
- ◀ فوکویاما، فرانسیس ۱۳۸۵. پایان نظم، سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران، حکایت قلم نوین.

- ◀ فیلد، جان ۱۳۸۵. سرمایه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی جلال متقی، تهران، مؤسسه‌ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- ◀ کارکنان نصرآبادی، محمد. «تبیین جامعه‌شناختی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در هویت ملی». مجموعه مقالات همایش ملی فرهنگ و توسعه در منطقه‌ی مرکزی ایران، دانشگاه کاشان، (اردیبهشت ۱۳۸۸).
- ◀ کلاتری، خلیل ۱۳۸۵. پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی با استفاده از نرم‌افزار SPSS، تهران، شریف.
- ◀ کلمن، جیمز ۱۳۸۴. در سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دمکراسی و توسعه، به کوشش کیان تاج‌بخش، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- ◀ گیدنز، آنتونی ۱۳۷۳. جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، نی.
- ◀ مدیری، فاطمه و تقی آزاد ارمکی. «بررسی تفاوت‌های جنسیتی در رفاة ذهنی ایرانیان». مجله‌ی علوم اجتماعی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، (پائیز و زمستان ۱۳۹۲).
- ◀ مرنیسی، فاطمه ۱۳۸۴. سرمایه‌ی اجتماعی در عمل: مورد انجمن روستای ایت اکتل (نقدی بر همبستگی سستی در کشور مراکش).

- ◀ نوابخش، مهرداد و جمیله فدوی. «بررسی ابعاد سرمایه‌ی اجتماعی و نقش آن در توسعه‌ی شهری: مطالعه‌ی موردی منطقه‌ی ۵ شهر تهران». پژوهش‌نامه‌ی علوم اجتماعی، سال ۲، ش ۱، (بهار ۱۳۸۷).
- ◀ نوروزی، لادن. «تفاوت‌های جنسیتی در ساختار شغلی». پژوهش زنان، دوره‌ی ۲، ش ۱، (بهار ۱۳۸۳).
- ◀ وحید، فریدون، صمد کلاتری و ابوالقاسم فاتحی. «رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی با هویت اجتماعی دانشجویان». مجله‌ی پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۷، ش ۲، (۱۳۸۳).
- ◀ وینسترا، گری ۱۳۸۴. سرمایه‌ی اجتماعی، تندرستی و نابرابری. مجموعه مقالات سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دمکراسی و توسعه، ترجمه‌ی افشین خاکباز و حسین پویان، تهران، شیرازه.

- Albrecht, A. 1987. *Social; Psychology*. Englewood Cliffs and New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- Barr, F. M., A. R. & Cherry, "Social Capital a Potential Tool for Analysis of the Relationship between Aging Individuals and Their Social Environment". *Ageing International*. Vol. 31, No. 3, (2006).
- Bourdieu, P. (1986). "The Forms of Capital". in J. G. Richardson (ed.), *Handbook of Theory a Research for the Sociology of Education*, Greenwood Press, New York.
- Burke, P. "Identities and Social Structure: The 2003 Cooley-Mead Award Address". *Social Psychology Quarterly*. Vol. 67, No. 1. (2004).
- Chodorow, N. (1997). *The Psychodynamics of the Family in: Linda Nicholson*

(Ed.). *The Second Wave*, New York and London: Rutledge, 1997.

- ▶ Chuang, Y., & K. Chuang, "Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan". *Soc Sci Med*, Vol. 67, No. 8, (2008).
- ▶ Coleman, J. S. 1990. *Foundation of Social Theory*. Cambridge, MA: Harvard University Press, Belknap Press.
- ▶ Coleman, J. S. (1991). "Prologue: Constructed Social Organization". In P. Bourdieu and J. S. Coleman (Eds), *Social Theory for Changing Society*, Westview Press, Boulder.
- ▶ Coleman, J. S. 1994. *Foundations of Social Theory*. Cambridge, MA: The Belknap Press of Harvard University.
- ▶ Emmerik, V. "Gender differences in the creation of different types of social capital: a multilevel study". *Soc Network*, Vol. 28, No. 1, (2006).
- ▶ Ferlander, S., & I. Mäkinen, "Social capital, gender and self-rated health: evidence from the Moscow Health Survey". *Soc Sci Med*, Vol. 69. No. 9(2009).
- ▶ Grewe, N. (2003). "Social Capital and Local Development: An Exploration of Three Forms of Community-based Social Capital (Iowa)". LOW STATE UNIVERSITY.
- ▶ Hyatt, R. 2003. *Social Capital, Inequality; and Well-being in the International Neighborhood*, Brown University.
- ▶ Kammeyer, K. C. W. 1989. *Sociology*. Boston and London: Allyn and Bacon.
- ▶ Kerry, A. 2003. *Locating Community Social Capital: A study of Social Networks and Community Action*. Iowa State University.
- ▶ Knack, S. 2002. *Social Capital. Growth and Poverty: a Survey of Cross Country Evidence*. Cambridge, MA: Harvard University Press, Belknap Press.
- ▶ Krishna. A. & N. Uphoff. "Mapping and Measuring Social Capital through Assesment of Collective Action to Conserve and Develop". In Rajistan, India, (2002).
- ▶ Lin, N. (1976). *Foundation of social Research*. New York: McGraw-Hill.
- ▶ Lin, N. 1999. *Building a Network Theory of Social Capital*. In *Social Capital: Theory and Research*. N. Lin. K. Cook and R.S. Burt (Eds.) New York: Aldine

De Gruyere.

- ▶ McConnell, J. V., , R. P. & Philipchalk 1992. *Understanding Human Behavior*, Orlando: HBJ Publishers.
- ▶ Molyneux, M. "Gender and the Silences of Social Capital: Lessons from Latin America". *Development and change*, Vol. 32, No. 2, (2002).
- ▶ Moore, G. "Structural determinants of men's and women's personal networks". *Am Social Rev*, Vol. 55, No. 5, (1990).
- ▶ Nahapiet, J., & S. Ghosal, "Social capital, intellectual capital and the organizational advantage". *The Academy of Management Review*, Vol. 23, No. 2, (1998).
- ▶ Norris, P., & Inglehart, R. "Gendering social capital: Bowling in Women's Leagues?". *In Gender and Social Capital*, Edited by O'Neill B, Gidengil E. New York: Routledge, (2006).
- ▶ Putnam, R. D. 2000. *Bowling Alone: The Collapse and Revival Of American Community*. New York: Simon & Schuster.
- ▶ Rostila, M. "A resource-based theory of social capital for health research: can it help us bridge the individual and collective facets of the concept?". *Soc Theor Health*, Vol. 9, No.2, (2011).
- ▶ Shaffer, D. R. (1993). *Developmental Psychology*. Pacific Grove: Brooks/Cole Publishing Company.
- ▶ Szreter, S., & M. Woolcock. "Health by association? Social capital, social theory, and the political economy of public health". *Int J Epidemiol*, Vol. 33, No.4, (2004).
- ▶ Tong, R. 1997. *Feminist Thought*. London: Rutledge.
- ▶ Vynckel, V., W. Hardyns, W., Peersman, L., Pauwels, & S. Willems, (2014). "How equal is the relationship between individual social capital and psychological distress? A gendered analysis using cross-sectional data from Ghent (Belgium)". *BMC Public Health*, Retrived from < <http://www.biomedcentral.com>
- ▶ Westerman, O., J., Ashbi, & J.Pretty, "Gender and Social Capital: The Importance of Gender Differences for the Maturity and Effectiveness of Natural Resource Management Groups". *World Development* Vol. 3, No. 2, (2005).